

سرنوشت بلا تکلیف وعده ۴ میلیون مسکن توسط دولت

امکان پذیر نیست یا مردم باید بسازند؟!



بذرپاش با بیان اینکه هزینه ساخت ۴میلیون مسکن تقریبا دو برابر بوده‌جه کل کشور است، گفت:

مسکن در طول دو سال گذشته بیش از پیش مردم را آزار داده است. افزایش بی سابقه قیمت مسکن و به تبع آن اجاره خانه به اندازه‌های است که طرف دو سال گذشته بسیاری از اجاره آپارتمان کوچک تر یا در منطقه ای پایین تر شده اند، حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ و بخصوص تهران افزایش یافته و حتی معضلاتی مثل اجاره پشت بام و اسکان دو خانواده در یک آپارتمان هم شکل گرفته که نشان دهنده اوج مشکل مسکن برای خانواده‌های قاعد مسکن است.

واضح است که با این وصف، پیگیری وعده «یک میلیون مسکن در سال» یا «ساخت چهار میلیون مسکن در چهار سال» از سوی مردم و رسانه‌ها دنبال می‌شود و البته پاسخ‌های دولت در این مدت به این پیگیری‌ها مثال زدنی و عجیب بوده است. شاید بتوان گفت که این موضوع باعث برکناری یک وزیر هم شده است. مرحوم رستم قاسمی‌پیش از استعفا یا برکناری اش با تاکید بر این که روند کار در اجرائی طرح نهضت ملی مسکن باید سرعت بخشیده شود، گفته است قرار نیست سالی یک میلیون مسکن ساخته شود. او همچنین می‌گوید: تا پایان دولت باید ۲ میلیون مسکن ساخته و به بهره‌برداری برسد.

اما آمار و عملکردها نشان می‌داد که همین اندازه هم ممکن نیست! این وزیر از ابتدای سال ۱۴۰۱ مورد انتقاد دولت و مجلس بود. بیماری او هم مزید بر علت شده بود و بخشی از دولت هم به دنبال برکناری او به شکل استعفای اجباری بود، اما آن مرحوم زیربار نمی‌رفت و همین امر باعث حاشیه‌هایی ناگوار شد. نهایتاً دولت مجبور شد بدون استعفای او اعلام کند که وزیر جدید به مجلس معرفی خواهد شد و پس از آن رستم قاسمی‌استعفا داد و البته بعد از مدت کوتاهی هم درگذشت. اما اتفاق مهم در جلسه رای اعتماد به وزیر تازه افتاد. مهرداد بذرپاشخ که مدتها نامش به عنوان کاندیدای وزارت خانه‌های مختلف مطرح بود، بالاخره توانست سهم خود را از دولت رئیس

بگیرد و به عنوان وزیر پیشنهادی راه و شهرسازی به مجلس معرفی شد اما در جلسه رای اعتماد، آب پاکی را روی دستان وعده «چهار میلیون مسکن» ریخت و اعلام کرد که توان مالی ساخت ۴ میلیون مسکن وجود ندارد.

ایام انتخابات ریاست جمهوری روزهای اوج وعده‌های دولتمردان امروز ایران بود. در آن روزگار بدون اینکه کنشور کنترلی باشد، وعده‌های عجیب و غریب داده می‌شد: حل مشکل بورس ظرف سه روز، ساخت چهار میلیون مسکن برای مردم، ایجاد سالانه یک میلیون شغل، تک رقمی کردن تورم و …. این وعده‌ها همچنان که مشخص بود بدون هیچ پشتوانه ای بیان می‌شد اما بعد از تشکیل دولت توسط ابراهیم رئیسی و کاندیداهای پوششی همراه، واضح بود که باید درباره این وعده‌ها توضیح دهند. موضوع مسکن به عنوان یکی از چالش‌های اصلی و بزرگ مردم، در طول دو سال گذشته بیش از پیش مردم را آزار داده است. افزایش بی سابقه قیمت مسکن و به تبع آن اجاره خانه به اندازه ای است که طرف دو سال گذشته بسیاری از اجاره نشین‌ها مجبور به تغییر محل اسکان خود و انتخاب آپارتمان کوچک تر یا در منطقه ای پایین تر شده اند، حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ و بخصوص تهران افزایش یافته و حتی معضلاتی مثل اجاره پشت بام و اسکان دو خانواده در یک آپارتمان هم شکل گرفته که نشان دهنده اوج مشکل مسکن برای خانواده‌های قاعد مسکن است.

واضح است که با این وصف، پیگیری وعده «یک میلیون مسکن در سال» یا «ساخت چهار میلیون مسکن در چهار سال» از سوی مردم و رسانه‌ها دنبال می‌شود و البته پاسخ‌های دولت در این مدت به این پیگیری‌ها مثال زدنی و عجیب بوده است. شاید بتوان گفت که این موضوع باعث برکناری

یک وزیر هم شده است. مرحوم رستم قاسمی‌پیش از استعفا یا برکناری اش با تاکید بر این که روند کار در اجرائی طرح نهضت ملی مسکن باید سرعت بخشیده شود، گفته است قرار نیست سالی یک میلیون مسکن ساخته شود. او همچنین می‌گوید: تا پایان دولت باید ۲ میلیون مسکن ساخته و به بهره‌برداری برسد.

اما آمار و عملکردها نشان می‌داد که همین اندازه هم ممکن نیست! این وزیر از ابتدای سال ۱۴۰۱ مورد انتقاد دولت و مجلس بود. بیماری او هم مزید بر علت شده بود و بخشی از دولت هم به دنبال برکناری او به شکل استعفای اجباری بود، اما آن مرحوم زیربار نمی‌رفت و همین امر باعث حاشیه‌هایی ناگوار شد. نهایتاً دولت مجبور شد بدون استعفای او اعلام کند که وزیر جدید به مجلس معرفی خواهد شد و پس از آن رستم قاسمی‌استعفا داد و البته بعد از مدت کوتاهی هم درگذشت. اما اتفاق مهم در جلسه رای اعتماد به وزیر تازه افتاد. مهرداد بذرپاشخ که مدتها نامش به عنوان کاندیدای وزارت خانه‌های مختلف مطرح بود، بالاخره توانست سهم خود را از دولت رئیس

بگیرد و به عنوان وزیر پیشنهادی راه و شهرسازی به مجلس معرفی شد اما در جلسه رای اعتماد، آب پاکی را روی دستان وعده «چهار میلیون مسکن» ریخت و اعلام کرد که توان مالی ساخت ۴ میلیون مسکن وجود ندارد.

تولد و مرگ توله یوز ایرانی؛ از اردیبهشت تا اسفند

برای «پیروز» و انقراضی که نزدیکتر شد



روز شرایط توله سوم را زیر نظر گرفت، شیر و مکمل‌های مخصوصی را با خود آورد و تیمارگر توله شروع به تغذیه کردن توله با این مواد کرد.

سپس پیروز به پارک پردیسان تهران که شرایط و شرایط پرورش می‌خواید، قرار بود:

تلاش برای انجام لقاح طبیعی بین ایران و یوزپلنگ تر ۱۰ ساله ای به نام فیروز از ابتدای سال ۱۴۰۰ آغاز شد. سرانجام طی جفتگیری بین ایران و فیروز، سه توله یوز متولد شدند که هر سه نر بودند. از همان ابتدا، مادر، توله‌ها را تحویل گرفت. مراحل حفاظت دامپزشکی و نگهداری پیروز پس از دوازده ماهگی به پارک ملی توران منتقل نشود اما بیماری، موجب شد به دوازده ماهگی نرسد.

امکانات مناسب‌تری نسبت به توران داشت منتقل شد تا بتوان از این طریق از تلف شدن توله یوز سوم جلوگیری کرد. وظیفه اصلی مراقبت از پیروز را علیرضا شهرداری پناه بر عهده داشت. او که مربی جانورشناسی و فعال محیط زیستی است ۱۰ ماه از زندگی خود را وقف پرورش پیروز کرد و حتی شبها در کنار پیروز می‌خوابید. قرار بود پیروز پس از دوازده ماهگی به پارک ملی توران منتقل نشود اما بیماری، موجب شد به دوازده ماهگی نرسد.

پیروز که به دلیل مشکلات گوارشی و کلیوی، در روزهای آخر به بیمارستان دامپزشکی مرکزی منتقل شده بود کارش به دیابلیز کلیه هم کشید. امیر مرادی رئیس بیمارستان دامپزشکی مرکزی، ساعاتی پیش از تلف شدن پیروز در ویدئویی گفته بود: «بعد از اینکه پیروز به بیمارستان منتقل شد، با اقدامات انجام شده سعی کردیم علائم بالینی و فیزیولوژیک حیوان را ثابت نگه داریم. وضعیت

سوم خرداد فاجعه‌ای آبادان را عزادار کرد، فاجعه ای که به نظر می‌رسد می‌توانست و می‌تواند در هر شهر ایران به وقوع بپیوندد. در آن زمان پنج سالش از فاجعه آتش گرفتن و فرو ریختن ساختمان پلاسکو در تهران می‌گذشت، فاجعه ای که می‌توانست زنگ خطر را برای عموم مسئولان به صدا درآورد و نشان دهد که فاجعه چقدر نزدیک است. از آن زمان سخنان زیادی درباره ایمن سازی ساختمان‌ها بیان شده است و اگرچه تمرکز در این باره در پایتخت بوده است، اما در عمل هیچ اتفاقی نه در پایتخت و نه در سایر شهرستانها در این خصوص رخ نداده است. واقعیت این است که نه تنها ساختمان‌های قدیمی در اقصی نقاط کشور ایمن نیستند بلکه متأسفانه ساختمان‌های زیادی هم در کشور ساخته شده اند که در آنها متأسفانه استاندار ساخت رعایت نشده و آنها هم می‌توانند باعث بروز فاجعه شوند، اتفاقی که روز گذشته در آبادان افتاد.

سوم خرداد اگرچه برج متروپل در آبادان به طور کامل فرو نریخت اما آوار شدن بخشی از آن باعث کشته و زخمی شدن تعدادی از شهروندان آبادانی شد. طبق گفته اهلی، شدت این حادثه به قدری بود که ساختمان‌های اطراف به شدت لرزید. این حادثه همچنین به تعدادی از خودروهایی که در محل حاضر بودند خسارت وارد کرد. نکته مهم ماجرا این ایا بود که این برج نه یک ساختمان قدیمی، که ساختمانی بود که هنوز به پایان نرسیده بودا و همین نشان می‌داد که در این فاجعه هم باید یاد اهمال کاری و قانون شکنی را دید. اینکه این ساختمان ۱۰ طبقه

در منطقه ای شلوغ و با وجود خیابان تنگ ساخته شده، آن هم به گونه ای که قبل از پایان ساخت، ریزش کرده است، نشان می‌دهد که هیچ استانداردی در ساخت آن رعایت نشده است. بعضی از افراد محلی در فضای مجازی همان زمان نوشتند که از یک سال

هشدارهایی درباره نایم بدن و غیر استاندارد بودن این ساختمان داده می‌شود اما توجهی به آن نشده است. بروز چنین فاجعه‌هایی، لزوم برخورد قاطع را با ساخت وسازهایی که بدون رعایت استاندارد و گاهی با زد و بندهای غیرقانونی ساخته می‌شود، بار دیگر تاکید کرد. به نظر می‌رسد نحوه بررسی قضایی این موضوع و تسریع در صدور حکم قاطع متخلفان از قانون و اطلاع رسانی آن به مردم می‌تواند روند چنین ساخت و سازهایی را در کشور کاهش دهد.

در روزهای اول سخنان بسیاری درباره حسین عبدالیقای مالک و سازنده متروپل گفته می‌شد؛ اینکه چه زد و بندهایی داشته و چه شریک‌هایی داشته است.

ریختن ساختمان سخن گفته می‌شد و بعد هم جنازه ای شناسایی شد و دفن شد اما بسیاری از مردم باور نداشتند که عبدالیقای مرده است!

حواشی ماجرای برج متروپل اگرچه ادامه پیدا کرد: دو حسینی عبدالیقای در پارکینگ خانه اش به گلوله بسته شد و درگذشت و بعد از چندماه بار

متروپل فروریخت اما کسی عبرت نگرفت!

ساختمان‌های نایمن؛ از آبادان تا تهران



وضعیت قرمز نیز گفت: هم اکنون ۱۲۹ ساختمان در شرایط خطر قرار دارند و بحرانی محسوب می‌شوند. این ساختمان‌ها در چندین مرحله دستورالعمل‌ها پخش‌راهی آتش نشانی را دریافت کرده اند، اما پیشرفت کار از نظر اجرای ضوابط ایمنی آتش نشانی ضعیف بوده است.

بعد از فاجعه متروپل و با توجه به تجربه پلاسکو، در روز قبل یکبار دیگر معاون حفاظت و پیشگیری حریق سازمان آتش نشانی اعلام کرد: از زمان حادثه پلاسکو ۱۲۹ مورد ساختمان با وضعیت بحرانی از نظر ایمنی شناسایی شده است. تعداد زیادی از مراکز درمانی جزو این دسته از ساختمان‌های پر خطر هستند که به دلایلی نمی‌توان از آنها نام برد.

این سخنان باعث شد در همان زمان رئیس کمیسیون شهرسازی شورای شهر تهران از لزوم انتشار اسامی ۱۲۹ ساختمان بسیار پرخطر پایتخت سخن بگوید. وی در تذکر پیش از دستور خود در جلسه شورای شهر تهران با بیان این‌که ۱۲۹ ساختمان بسیاری پرخطر در تهران وجود دارد که از شهرداری می‌خواهم براساس اهمیت این ساختمان‌ها و میزان خسور و مراحعه شهروندان، رسیدگی به آن را در دستور کار قرار دهد، گفت: باید ایمن‌سازی گودهای رها شده در دستور کار قرار گیرد.

پس از آن سرپرست سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران گفت که لیست ساختمان‌های نا ایمن شهر تهران را منتشر خواهندکرد و در این‌باره با هیچ فردی تعارف ندارند.

با همه این احوال، پس از هفت ماه در دی ماه خیر رسید شهردار تهران مدعی شده است لیست ساختمان‌های نایمن هیچگاه وجود خارجی نداشته است در آن زمان زاکنی در گفت‌وگو با خبرنگار مهر، گفت: مدتی است که اقدامات لازم در حوزه ایمن سازی ساختمان‌های سطح پایتخت در ۲۲ منطقه شهر تهران آغاز شده و اصل کار شهرداری در حوزه ساختمان‌های نایمن شناسایی است؛ چرا که لیست ساختمان‌های نایمن هیچ وقت وجود خارجی نداشته است.

فرزندان ۵۴۰۰ نفر از مسئولان دولت در خارج از کشور هستند

فرزندان مسئولان در کشور دشمن چه می‌کنند؟



برای پرسش ویزا می‌ساخته، نمی‌توانسته بگوید که سفارش دانش‌بنیانی است؟ و آیا رئیس جمهور از او پرسیده که چرا پسترت می‌خواهد سفر کند؟! دستور مطلق رئیسی طبیعتا باید شامل حال انسیه خزعلی معاون خودش هم بشود!

عباس عبدی فعال سیاسی اصلاح طلب در واکنش به سخنان انسیه خزعلی در باره علت مهاجرت فرزندانش نوشت: چرا برخی انتظار دارند که ادعاهای آنان در مورد خود و خانواده‌هایشان را مردم باید باور کنند؟ در حالی که تجربه قبلی خلاف صداقت را نشان داده.بسه علاوه چرا خودشان ادعاهای فرزندانشان را می‌پذیرند؟ در حالی فرزندان می‌دانند در فضای ریاکاری والدینشان طاقث شنیدن حرف درست را ندارند. رحمت‌الله بیگدلی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب نوشت: «هن اگر جای آقای رئیسی بودم خانم خزعلی را نه به خاطر اقامت پسرش در کانادا، بلکه به خاطر این نوع سوءاستفاده سخیف از نامگذاری سال عزل می‌کردم!»

داستان اما به خواهران خزعلی ختم نشد. اعلام معرفی زاهدی وفا سرپرست سه ماهه وزارت کار و رفاه اجتماعی به عنوان وزیر پیشنهادی دولت به مجلس یکبار دیگر موضوعی مشابه خواهران خزعلی شد. داد. اما یک عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس ضمن رد ادعای طرح شده در فضای مجازی درباره دو تابعیتی بودن فرزندان وزیر پیشنهادی کار در توضیح این مطلب گفت: در این موضوع، من از شخص آقای زاهدی وفا سوال کردم، وی توضیح داد که هرچند هم‌زمان با دوران تحصیلش در کانادا به عنوان دانشجوی بورسیه وزارت علوم و اقامت در آن کشور فرزندان ایشان نیز در آن زمان متولد شده‌اند، اما ایشان هیچ اقدامی برای اخذ تابعیت برای آنها نکرده است و این فرزندان هیچگاه که تأمین اجتماعی کشور کانادا را نداشته و در کانادا نیز اقامت ندارند و حتی پس از پایان دوران تحصیل پدر و بازگشت به ایران هیچ سفر خارجی بجز عتبات عالیات نداشته‌اند.



بنیان» عنوان کرد، وی نوشت: «گذشت آن دوران که مسئولانی مثل کوه پشت فرزندان خویش می‌ایستادند و صراحتا از مهاجرت و زندگی آنها در خارج از کشور دفاع می‌کردند. اما امروز… برخی با ذوق زدگی از مهاجرت فرزندان اینجاب گفتند؛

باید گفت که حضور ۵۴۰۰ آقازاده در کشورهایی که عموما مجموعه استکبار جهانی دانسته این است که اگر مسئولی پیدا شود که فرزندش خارج از کشور نباشد باید او را جزو استثناها دانسیم!

است که این موضوع عمومیت داشته و مربوط به افراد معدودی در دایره مسئولان کشور نیست. اگر زمانی رسانه‌های اصولگرایی فقط به حضور فرزند معصومه ابتکار توجه داشتند یا اگر بنا به شیده‌ها حضور فرزند علی لاریجانی در کشورهای متخاصم عامل رد صلاحیت او در انتخابات ریاست جمهوری شد، باید گفت که حضور ۵۴۰۰ آقازاده در کشورهایی که عموما مجموعه استکبار جهانی دانسته می‌شود به معنای این است که اگر مسئولی پیدا شود که فرزندش خارج از کشور نباشد باید او را جزو استثناها دانسیم!

جانب اینجاست که در سال ۱۴۰۱ چند خبر مرتبط با این موضوع در فضای رسانه ای و مجازی باعث توجه بیش از پیش مردم به این موضوع شد است. اولین مورد با یک توثیت تبلیغاتی از سوی دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت در اواسط شهریور ماه آغاز شد. گویا ماموریت برای مانور روی «گفت ارشاد مدیران» یکی از شعارهای معطل مانده رئیسی باعث شد که وی اعلام کند: «اخیرا فرزند یک معاون وزیر برای ادامه تحصیل در یک کشور خارجی ویزا گرفته بود و قصد خروج داشت که به محض اطلاع رئیس‌جمهور دستور صادر شد: اگر فرزند رفت، پدر هم برودا گذشت آن دوران که افتخار مقامات عالی دولت، اقامت فرزندانشان در خارج از کشور باشد. مسئولان وقت گفت ارشاد باشند.»

اما همین ادعای تبلیغاتی انطور که دولتی‌ها تصور می‌کردند جواب نداد! بلافاصله بعد از این ادعا، اعلام شد فرزند انسیه خزعلی معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری به کانادا رفته است! این موضوع قابل تکذیب نبود و توثیحاتی که داده شد، نشان داد که کاملا درست است. انسیه خزعلی همسرش و همسرش سعی کردند با تویحیتاشان این موضوع را توجیه کنند اما هر توضیحی به بدتر شدن شرایط برای آنها منجر شد.

انسیه خزعلی در رشته توثیتی آن را تایید کند اما موضوع سفر پسرش را « تقویت فعالیت‌های دانش

«فرزندان ۵۴۰۰ نفر از مسئولان دولت در خارج از کشور هستند. مسئولان ما حقوق و درآمد کشورهای خارجی را می‌خواهند؛ اگر آمریکا دشمن است فرزندان مسئولین آنجا چه می‌کنند؟» این سخنان‌هاجر چنارانی نماینده نیشابور در مهرماه گذشته حرف دل بسیاری از مردم‌است که این روزها با تعجب به فاصله عجیب بین شعارها و عملکرد مسئولان و مدیران کشور نگاه می‌کنند. کسانی که گاه و بیگاه مردم را دعوت به صبر، تحمل فشارهای اقتصادی و درک شرایط حساس کنونی می‌کنند؛ اما حاضر نیستند که فرزندان خود را در این شرایط نگاه دارند و اتفاقا به کشورهای می‌فرستند که آن را دشمن می‌دانند!

با آماري که این نماینده مجلس داده است معلوم است که این موضوع عمومیت داشته و مربوط به افراد معدودی در دایره مسئولان کشور نیست. اگر زمانی رسانه‌های اصولگرایی فقط به حضور فرزند معصومه ابتکار توجه داشتند یا اگر بنا به شیده‌ها حضور فرزند علی لاریجانی در کشورهای متخاصم عامل رد صلاحیت او در انتخابات ریاست جمهوری شد، باید گفت که حضور ۵۴۰۰ آقازاده در کشورهایی که عموما مجموعه استکبار جهانی دانسته می‌شود به معنای این است که اگر مسئولی پیدا شود که فرزندش خارج از کشور نباشد باید او را جزو استثناها دانسیم!

جانب اینجاست که در سال ۱۴۰۱ چند خبر مرتبط با این موضوع در فضای رسانه ای و مجازی باعث توجه بیش از پیش مردم به این موضوع شد است. اولین مورد با یک توثیت تبلیغاتی از سوی دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت در اواسط شهریور ماه آغاز شد. گویا ماموریت برای مانور روی «گفت

ارشاد مدیران» یکی از شعارهای معطل مانده رئیسی باعث شد که وی اعلام کند: «اخیرا فرزند یک معاون وزیر برای ادامه تحصیل در یک کشور خارجی ویزا گرفته بود و قصد خروج داشت که به محض اطلاع رئیس‌جمهور دستور صادر شد: اگر فرزند رفت، پدر هم برودا گذشت آن دوران که افتخار مقامات عالی دولت، اقامت فرزندانشان در خارج از کشور باشد. مسئولان وقت گفت ارشاد باشند.»

اما همین ادعای تبلیغاتی انطور که دولتی‌ها تصور می‌کردند جواب نداد! بلافاصله بعد از این ادعا، اعلام شد فرزند انسیه خزعلی معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری به کانادا رفته است! این موضوع قابل تکذیب نبود و توثیحاتی که داده شد، نشان داد که کاملا درست است. انسیه خزعلی همسرش و همسرش سعی کردند با تویحیتاشان این موضوع را توجیه کنند اما هر توضیحی به بدتر شدن شرایط برای آنها منجر شد.

انسیه خزعلی در رشته توثیتی آن را تایید کند اما موضوع سفر پسرش را « تقویت فعالیت‌های دانش